

جناح راست وابسته به بازار و ارتجاع مذهبی، ایران را وابسته به پیمان امپریالیستی "گات" می خواهد!

پیمان "گات"

استقلال ملی و تولید داخلی را نابود می کند!

سهند

در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری، یکی از برنامه های دولتی که در صورت پیروزی علی اکبر ناطق نوری، مولفله اسلامی و روحانیت مبارز تهران قصد تشکیل آنرا داشتند، پیوستن به پیمان تجارت جهانی "گات" بود. البته بحث بر سر پیوستن و یا نپیوستن به این پیمان از مدت ها پیش در مطبوعات ایران جریان داشته است و برخی مطبوعات متمایل به جناح چپ مذهبی نیز در مخالفت با این امر مطالبی منتشر ساختند. متأسفانه در مطبوعات وابسته به سازمان های چپ خارج از کشور، نه تنها خود در خصوص این نوع برنامه ها که در ایران و از سوی جناح های مختلف مطرح می شود مطلبی منتشر نمی کنند، بلکه اساساً از این نوع مباحث چنان فاصله می گیرند، که گویی پیوستن و یا نپیوستن جمهوری اسلامی به این نوع پیمان ها برای مردم ایران بی اهمیت است! با توجه به اینکه طرفداران پیوستن به این پیمان امپریالیستی، علیرغم انتخابات اخیر ریاست جمهوری، همچنان در جمهوری اسلامی مواضع سیاسی و اقتصادی مهمی را در اختیار دارند و در خارج از کشور نیز، جناح راست اپوزیسیون نیز طرفدار این نوع پیوندهاست، بحث و بررسی پیرامون پیمان "گات" را همچنان مفید و روشنگر باید دانست. نوشته حاضر بررسی کلی عواقب اقتصادی پیوستن ایران به این سازمان نو استعماری است.

تاریخچه "گات"

برای چندین قرن، دولت های سرمایه داری، با بهره گیری از برتری نظامی خود و به شیوه ای خشن و غیر انسانی، منابع طبیعی و بازار بومی مستعمرات خود را استثمار کردند. عزم راسخ مردم مستعمرات برای بدست گرفتن سرنوشت خود و اتخاذ سیاست هائی که منافع ملی را برتر از منافع دولت های خارجی قرار دهد، نیروی محرکه اصلی مبارزات ضد استعماری و استقلال طلبانه بود. مبارزاتی که با برخورداری از حمایت همه جانبه اولین حکومت کارگری جهان، سرانجام با پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم به استقلال کشورهای بسیاری در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین انجامید.

در پی پیروزی جنبش های ضد استعماری و استقلال طلبانه در این کشورها، قدرت های استعماری جهت بدست آوردن مجدد کنترل گذشته خود بر منابع اقتصادی و بازار کشورهای تازه استقلال یافته، به سلاح قراردادهای تجاری روی آوردند و در جهت دستیابی به این مقصود نهادهائی مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و "گات" را بوجود آوردند.

موافقتنامه عمرمی تعرفه و تجارت "گات" در سال ۱۹۴۸ به ابتکار ایالات متحده امریکا و در جهت ایجاد بازار آزاد در سراسر جهان بوجود آمد. در سال ۱۹۸۶ مذاکراتی بین ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن، در جهت بسط "گات" در شهر "توتتا دل استه" در کشور اروگوئه آغاز شد که بعداً به مذاکرات اروگوئه شهرت یافت. هدف از این مذاکرات بسط مقررات گات بود که تا آزمون فقط محصولات صنعتی را در بر می گرفت و اکنون باید محصولات کشاورزی، خدمات و مالکیت فکری را نیز در بر می گرفت.

پس از ۷ سال مذاکره و چانه زدن های مداوم، سرانجام در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ در ژنو، مذاکرات اروگوئه با امضای یک سند نهائی به پایان رسید. بموجب این سند، از نقطه نظر تشکیلاتی، نهاد جدیدی بنام "سازمان تجارت جهانی" جایگزین "گات" شد. با توجه به اینکه مذاکرات گات بیش از چهار سال است که خاتمه یافته، پیشنهاداتی که در ایران برای پیوستن به این پیمان می شود، در حقیقت گردن گذاشتن بر همه مقررات و مصوباتی است که از درون مذاکرات "ارگوئه" برآمده و در سند نهائی منعکس است. سند مذکور بالغ بر ۲۶ هزار صفحه بوده و با زبانی فنی جزئیات بسیاری را در بر می گیرد. بدین ترتیب و براساس مقرراتی که در زیر به آن اشاره می شود، جناح راست حکومتی در جمهوری اسلامی، زیرنقاب ضدیت با استکبار جهانی و در پس شعارهای توخالی و پوچ ضد امپریالیستی و ضد امریکائی عملاً تلاش می کند تا هرچه بیشتر زیر سلطه و تحت حمایت امریکا قرار گرفته و استقلال مملکت را قربانی حکمرانی خود کند. تلاش چنین آمیز سرمایه داران بازاری و حزب آنها "موتلفه اسلامی" برای در دست گرفتن قدرت کامل سیاسی و برقراری سانسور و خفقان سراسری و بی اطلاع نگهداشتن مردم ایران از آنچه در پشت صحنه می خواستند به پیش ببرند و همچنان نیز برای رسیدن به این هدف سرگرم توطئه هستند، در این نوع سیاست های اقتصادی مفهوم پیدا می کند.

تجارت تولیدات صنعتی

موافقتنامه جدید در بخش آزادی تجارت تولیدات صنعتی، که تعرفه و حذف محدودیت های مقداری واردات را هدف قرار داده است. تمهیدات دولت های امضاء کننده سند نهائی را می توان به سه گروه تقسیم کرد. کشورهای پیشرفته صنعتی تعرفه موجود بر واردات تولیدات صنعتی را از ۳۰٪ در صد تعیین شده در گات ماقبل مذاکرات "ارگوئه" به ۳٪ در صد تقلیل داده و واردات بدون عوارض گمرکی خود را در این مورد از ۲۰٪ در صد به ۴٪ در صد افزایش خواهند داد. کشورهای در حال توسعه امضاء کننده موافقتنامه پذیرفته اند که یک سوم تعرفه موجود بر واردات تولیدات صنعتی را کاهش داده و عوارض گمرکی بر ۴۲٪ در صد از واردات این بخش را کاملاً حذف کنند. سخت ترین شرایط در این مورد به کشورهای سوسیالیستی سابق تحمیل شده است.

چهار کشور لهستان، رومانی، جمهوری چک و جمهوری اسلواک، با امضای قرار داد، متعهد شده اند که سه چهارم تعرفه موجود در این زمینه را حذف کرده و عوارض گمرکی بر ۱۴٪ در صد از واردات خود در این مورد را از میان بردارند.

یکی از مواد موافقتنامه جدید که بخصوص در کشورهای جهان سوم مورد استفاده تبلیغاتی هواداران پیوستن به "سازمان تجارت جهانی" قرار می گیرد، تعهد کشورهای صنعتی است در مورد کاهش ۲۲٪ در صد از تعرفه های موجود در این کشورها بر واردات منسوجات و پوشاک. واقعیت این است که در عرض دو دهه گذشته، کشورهای سرمایه داری، با هدف استفاده از کارگر ارزان، بخش اصلی صنایع نساجی و پوشاک خود را به شماری از کشورهای جهان منتقل کرده و یا از طریق صنوبر سرمایه، کنترل این صنایع را در کشورهای جهان سوم بدست گرفته اند. کاهش تعرفه بر واردات منسوجات و پوشاک پیش از آنکه امتیازی به کشورهای جهان سوم باشد، در عمل یک معافیت ویژه مالیاتی است که به سرمایه داران بزرگ خودی اعطا می شود.

اگر تمهیدات ویژه برای بلعیدن کامل اقتصاد کشورهای سوسیالیستی سابق را نادیده بگیریم، موافقتنامه جدید، ادامه مقررات گات قدیم است. حزب توده ایران، طی نیم قرن گذشته، از بو تاسیس گات، صندوق بین المللی و بانک جهانی، چه در اسناد رسمی و چه در فعالیت های مطبوعاتی خود، پیوسته ماهیت نو استعماری این بنیادهای امپریالیستی را بی گیرانه افشاء کرده است. واقعیات زندگی درستی این نظرات را پیوسته ثابت کرده است. شرایط اقتصادی حاکم بر کشورهای جهان سوم، فقر، بیکاری، بی عدالتی، عقب ماندگی، سطح نازل زندگی و بدهی های کلان این کشورها به سرمایه داری جهانی، بیانگر عملکردهای نواستعماری "گات" در ۵۰ سال گذشته اند.

گات در نیم قرن گذشته، دسترسی کشورهای جهان سوم به بازار کشورهای صنعتی را منوط به از میان برداشتن موانع گمرکی و حمایت های قانونی از بازار ملی در این کشورها کرده است. در شرایطی که تولیدات صنعتی ایران، توان جوابگویی به نیاز بازار داخلی را نداشته و تولیدات صنعتی آن از نظر کیفی حتی مورد پذیرش کم توقع ترین مصرف کنندگان خارجی نیستند، ادعای پیوستن به "سازمان تجارت جهانی"، که بازاری های ایران و حزب موتلفه اسلامی به امید تبدیل ایران به تجارتخانه جهان خواهان پیوستن به آن هستند، شوخی تلخی بیش نیست.

فروش برسانند؟ این در شرایطی است که بازار داخلی از برنج امریکائی و تایلندی اشباع است!

نماینده مردم دشتستان در نطق قبل از دستور خود، در ۲۰ آذر ۷۵ چنین گفت: «... سالانه بیش از یکصد هزار تن خرما در شهرستان دشتستان تولید می شود... امسال بدلیل پیمان ارزی و سایر موانع خرما صادر نشد و محصول خرما بر روی دست کشاورزان باقی مانده است. از وزارت بازرگانی مصرانه می خواهم نسبت به برداشتن پیمان ارزی اقدام نموده و یا به تاجر خرما اجازه داده شود تا از ارز حاصل از صادرات خرما قطعات یدکی و وسائل کشاورزی وارد نمایند.»

اولویت تجارت بر تولید را در تصمیمات شورای اقتصاد کشور می توان دید. بعنوان نمونه در سال ۱۳۷۴ شورای اقتصاد با تقاضای کشاورزان تولید کننده چغندر قند برای افزایش حدود ۲ هزار تومان برای هر تن چغندر قند موافقت نکرد. در نتیجه کشاورزان به کاشت گوجه فرنگی روی آوردند. این تصمیم شورای اقتصاد از یکطرف باعث افزایش بی رویه تولید گوجه فرنگی و نزول فاحش قیمت آن در بازار باعث ضرر بیشتر کشاورزان شد و از طرف دیگر تولید داخلی قند و شکر را کاهش داد. امتناع دولت در افزایش پرداختی به کشاورزان تولید کننده چغندر قند، که حداکثر حدود ۱۰ میلیارد تومان می شد باعث افزایش واردات شکر معادل ۱۰۰ میلیون دلار (۴۰ میلیارد تومان) در سال ۱۳۷۵ شد.

تجارت آزاد

قرارداد اروگوه اولین مذاکرات چند جانبه بود که توانست به توافق جامع پیرامون تجارت جهانی خدمات، دست یابد. بنابراین بخش از مقررات گات کشورهای امضاء کننده متعهد می شوند که اولاً نسبت به عرضه کنندگان خارجی خدمات و هم تیان داخلی آنها سیاست واحدی را اعمال کنند، ثانیاً از هرگونه تبعیضی بین عرضه کنندگان خارجی خدمات خود داری کنند، ثالثاً مقررات داخلی خود را در این مورد منتشر کرده و با اتخاذ سیاست های مقتضی، روند آزاد سازی تجارت خدمات را در درون مرزهای خود غیر قابل برگشت سازند.

پیوستن ایران به "سازمان تجارت جهانی" بدین معنی است که اتباع حقیقی کشورهای خارجی خواهند توانست بدون هیچ مانع قانونی، درگیر فعالیت های سود آور و منفعت جویانه در طیف وسیعی از خدمات شوند. بخشی از این خدمات که مشمول مقررات گات می شوند عبارتند از: جهانگردی، حسابداری، خدمات بانکی و بیمه، حمل و نقل، خدمات درمانی، حقوقی، کامپیوتر، مدیریت، مخابرات و...

مالکیت فکری

حمایت دولت ها از حقوق مخترعین، نویسندگان و دیگر دارندگان حق مالکیت فکری پدیده تازه ای نیست. قرار داد اروگوه در این مورد، ظاهراً ایجاد قوانین و مقررات یکسانی در همه کشورها و مقابله با تجارت جهانی اتلام بدلی را دنبال می کند. سند نهائی، کشورهای امضاء کننده را موظف می کند که برای حقوقی اتباع خارجی در این مورد را به رسمیت شناخته و تسهیلات لازم جهت پیگیری قانونی متعدیان به حقوق آنها را فراهم کنند.

موافقتنامه گات تعریف "مالکیت فکری" را گسترش داده و آنرا در

بر گیرنده موارد زیر می داند:

ثبت حق استفاده و کاربرد، حق انتشار و دیگر حقوق مولفین و مصنفین، حقوق مشابه در زمینه تولید نرم افزارها و برنامه های کامپیوتری، نوارهای موسیقی و فیلم، نشانه های تجاری و خدمات، طرح های صنعتی و غیره. مقررات گات، ثبت حق استفاده و کاربرد یک کالا و یا روند تولید آنرا به همه رشته های صنعتی بسط داده و زمان آنرا به ۲۰ سال افزایش داده است. هدف سیاست گات در این مورد محروم نگه داشتن دائمی کشورهای جهان سوم از ثمرات انقلاب علمی-تکنولوژیک است.

پیوستن ایران به "سازمان تجارت جهانی" در نتیجه مقررات گات درباره مالکیت فکری، تولیدات مستقل دارو به قیمت ارزان در داخل کشور را به صرف اینکه فرمول آن قبلاً در یکی از کشورهای پیشرفته ثبت شده است، غیر ممکن می کند. اثرات مخرب این مقررات بر بازار کتاب ایران به روشنی قابل پیش بینی است. الزام قانونی پرداخت حق التالیف به نویسندگان خارجی که آثارشان در ایران ترجمه می شود، هزینه چاپ کتاب و قیمت آنرا چند برابر افزایش خواهد داد.

برای پی بردن به این نکته، نیازی به مراجعه به داده های آماری نیست. "پیکان های پاکستانی" در سطح تهران، به تنهایی درستی این نظر را ثابت می کند. حدود دو سال پیش دولت با ایجاد تسهیلاتی بسیار و اعطای یارانه های سخاوتمندانه، امکان صدور بیش از یکصد دستگاه اتومبیل پیکان به کشور پاکستان را فراهم ساخت. کمتر از یک هفته پس از ورود این اتومبیل ها به پاکستان، خریداران پاکستانی آنها را پس فرستادند. دولت ایران نیز بی سر و صدا این خودروها را باز گردانده و آنها را به اعضای اتحادیه تاکسیرانان تهران فروخت. "پیکان های پاکستانی" بعلمت تغییرات مختصری که در آنها جهت تسهیل حمل و نقل ایجاد شده، قابل شناسائی بوده و مدت ها است که در تهران موضوع شوخی مسافران تاکسی هاست! اگر آرزوها و تلاش بازاری های ایران تحقق یابد، صنعتگران خرده پا و صنایع کوچک کشور را که در زمینه دسترسی به سرمایه، تکنولوژی پیشرفته و سطح تولید، به مقیاس نجومی از شرکت های فراملیتی فاصله دارند را مجبور می کند که برای دسترسی به بازار ملی درگیر رقابتی نابرابر شوند. چنین سیاستی امکانات موجود تولید کنندگان داخلی را از بین می برد.

پیش از انعقاد موافقتنامه اروگوه، تجارت جهانی تولیدات کشاورزی بیرون از حیطه نفوذ و کنترل گات قرار داشت. از این رو نقش حمایتی دولت ها، علیرغم تنوع آن، پدیده ای عمومی بود. نتیجتاً تجارت تولیدات کشاورزی از طریق وضع موانع غیرتعرفه ای از رقابت جهانی دور نگهداشته می شد.

سند نهائی اروگوه برای اولین بار، دولت های امضاء کننده را ملزم به پذیرش روند تعرفه ای کردن همه موانع و محدودیت های موجود بر واردات تولیدات کشاورزی می کند. تعرفه ای کردن در این مورد بدین معناییست که دولت های عضو موظف اند همه موانع غیر تعرفه ای مانند محدودیت ها و ممنوعیت های کسی، تعیین قیمت حداقل برای واردات تولیدات کشاورزی و صدور مجوز ویژه برای واردات اینگونه کالاها و غیره را از میان برده شده و در چارچوب مقررات گات فقط بر واردات این اقلام تعرفه وضع کنند. تعرفه ای که بنا به مقررات همین سند نهائی، بایستی کاهش یافته و بتدریج حذف شود. در چارچوب موافقتنامه "گات" میزان کاهش تعرفه بر واردات محصولات کشاورزی تا سال ۲۰۰۰ هزار برای کشورهای پیشرفته بطور متوسط ۲۷ درصد و برای کشورهای در حال توسعه بطور متوسط ۲۴ درصد خواهد بود. هواداران گات ادعا می کنند که کشورهای کمتر توسعه یافته جهان سوم، از کاهش تعرفه بر واردات محصولات کشاورزی معاف بوده و مجبور به رعایت مقررات گات نیستند. تبلیغاتی از این دست، این واقعیت را پنهان می کنند که سیاست های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مدت ها است که چنین مقرراتی را به این دسته از کشورها تحمیل کرده اند. در ضمن، این معافیت صوری، تنها تا سال ۲۰۰۰ هزار معتبر بوده و هیچگونه تضمینی وجود ندارد که در پایان روند تعرفه ای کردن، مقررات موجود بر واردات محصولات کشاورزی، شرایط نوین و سخت تری بر آنها تحمیل نشود.

مقررات گات در حالیکه حذف کامل یارانه دولتی به صادرات محصولات کشاورزی را هدف قرار داده، هیچگونه تعبیری در سیاست اعطای یارانه در ایالات متحده و کشورهای جامعه اروپا، در جهت حفظ توازن. در عرضه و تقاضای تولیدات کشاورزی ایجاد نمی کند. در چارچوب این سیاست سالانه میلیارد ها دلار به کشاورزان این کشورها پرداخت می شود، فقط برای اینکه بخشی از اراضی کشاورزی خود را بایر نگهداشته و از کشت آنها خود داری کنند.

هدف سیاست کشاورزی گات بسط نظم حاکم بر تولید و تجارت بخش صنعتی، به ساختار تولید و تجارت محصولات کشاورزی است. این سیاست تخریب کشاورزی کشورهای جهان سوم را بدنبال داشته و امنیت غذایی این کشورها را به خطر خواهد انداخت. در نیمه سیاست های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، در ایران شاهد عنوارض مخرب فرسایش پایه های خودکفائی ملی در زمینه تولیدات کشاورزی و اولویت دادن به تجارت هستیم. در این مورد هم درد دل زحمتکشان از هر پیکره آماری گویاتر است:

- یکی از کشاورزان منطقه "گیجانرستاق" شهرستان ساری در نامه ای به روزنامه سلام (۱۰ دیماه ۷۵) چنین می گوید: "... با توجه به قیمت نازل برنج... بسیاری از کشاورزان این منطقه که تنها ممر درآمد آنها فروش همین چند صد کیلو برنج است، به دلیل عدم خرید برنج از سوی خریداران و سلف خزان، برای خرید مایحتاج عمومی خود، دچار مضیقه و گرفتاری شده اند. آیا مناسب است کشاورزان به این وضع زندگی کنند و از استراحت شبانه بگذرند و خواب بر چشم خود حرام کنند تا برنجی را به ثمر برسانند که معلوم نیست چگونه بایند به